

طراحی شهری با رویکرد به فرصت‌های منابع طبیعی

محمود حیدریان

تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۵

چکیده

توجه کار ساز شهرسازان و برنامه‌ریزان برای چشم اندازهای شهری بسیار حایز اهمیت است. این چشم‌انداز که جلوه‌ای ویژه بر طراوت روحی شهروندان دارد، در برخی از شهرها به دلیل موقعیت جغرافیایی که آورده‌های طبیعی را در خود دارد، می‌تواند افق عمیق‌تر به‌خود گیرد و هویتی خاص را به ارمغان آورد. وجود جنگل این موهبت الهی در حاشیه شهرها نقش به‌سزایی در تنفس شهر ایفا می‌کند و چنانچه برنامه‌ریزان شهری و مسئولین ذیربط به این مهم نگاه تیزبینانه‌ای داشته باشند تا نقش آن کاملاً ملموس باشد تا دست‌آوردهای بی‌نظیری از چشم اندازها به‌وجود آید بگونه‌ای که ضمن استفاده بهینه در مقیاس بزرگ از فضای سبز طبیعی، صرفه‌جویی بسیاری را هم به همراه خواهد داشت و دوام و قوام آن به مراتب بیشتر از دستاوردهای مصنوع است. در کنار نگرش کلان چشم انداز طبیعی، بدیهی است که شهر را باید همانند یک کالبد زنده فرض کرد که زندگی در آن جریان دارد و نوع جریان را باید به گونه‌ای طراحی و هدایت کرد که سرشار از طراوت و سرزندگی باشد. سرزندگی از آن نمونه که گردش در شهر موجبات شادابی شهروندان را فراهم نماید و این شادابی حاصل نمی‌شود مگر آن‌که مقدمات آن توسط مسئولین، متعهدانه، اندیشمندانه و عملی صورت پذیرد.

واژه‌های کلیدی: معماری و شهرسازی، محیط زیست، فضای سبز، هویت شهری

مقدمه

رابطه انسان با طبیعت: برای درک رابطه ساختمان با محیط ابتدا بایستی به دیدگاه انسان در مورد محیط زندگی و به طور کلی نسبت به طبیعت نظر داشت. اساس ساختن، دست‌اندازی به طبیعت است. نوع این دست‌اندازی ارتباط بسیار نزدیک با تفکر انسان در مورد طبیعت دارد. انسان خود را جزئی از طبیعت می‌داند و این ارتباط نزدیک با طبیعت هم به انسان و هم به طبیعت امکان ادامه زندگی را داده است. حال می‌توان گفت که طبیعت و معماری در برابر هم قرار ندارند بلکه در هم ادغام شده و یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

با این رویکرد نگاهی به توسعه پایدار در معماری و شهرسازی و ارتباط منظرسازی با این مفهوم پرداخته می‌شود.

توسعه پایدار

در اواسط دهه ۷۰ میلادی و پس از بحران نفتی ۱۹۷۳ منابع غیر قابل تجدید در جهان مثل منابع فسیلی و آلودگی محیط‌زیست و کره‌زمین مهمترین مسئله در مبحث توسعه پایدار در جهان بوده است. که اکنون این مهم در تمامی رشته‌ها منجمله معماری و شهرسازی نیز مطرح است.

نقطه اوج بحث‌های جدی و کارشناسانه در مورد وقایع مذکور منجر به اجلاس ریو در سال ۱۹۹۲ در شهر ریو دوژنیرو گردید و کشورهای جهان ملزم به پیروی از قطع نامه اجلاس شدند.

مهم‌ترین تعریفی که در اجلاس ریو از توسعه پایدار ارائه گردید، توسعه‌ای بود که نیازهای کنونی بشر را بدون مخاطره افکندن نیاز نسل‌های

آینده برآورده سازد و در آن به محیط‌زیست توجه شود.

مهم‌ترین اصول توسعه پایدار عبارت‌اند از:

- ۱ - توجه به استفاده از منابع تجدیدپذیر مثل انرژی خورشید و باد
- ۲ - استفاده کمتر از انرژی‌های تجدیدناپذیر و آلوده‌کننده مثل سوخت‌های فسیلی
- ۳ - توجه به نسل‌های آینده
- ۴ - توجه به محیط‌زیست و کاهش آلودگی و نیز توجه به چرخه زیست‌محیطی

فضای سبز

یکی از مواردی که در معماری و شهرسازی پایدار بسیار مورد توجه واقع شده است مسئله زیست‌محیطی و فضای سبز شهری است. در واقع شهری سالم خواهد ماند که در آن فضاهای قابل-توجهی از آن به فضای سبز اختصاص داده شود و به چرخه زیست موجودات دیگر اهمیت داده شود.

باغچه بام

لازم به یادآوری است که آقای لوکوربوزیه در دهه ۳۰ (۱۹۲۰) برای شهرهایی که تخصیص فضای سبز در آن کار دشوار است طرحی ارائه کرد، به این صورت که از بام ساختمان‌ها به عنوان باغچه روی بام استفاده شود. ولی در آن زمان توجه چندانی بدان نشد اما بعد از چند دهه در کشورهایمانند چین و ژاپن ملزم به اجرای این طرح شدند.

شخصی دیگر در انگلستان نظریه باغ شهر را ارائه نموده که بصورت شهرهای اقماری با طرح شعاعی بود: در مرکز شهر پارک و فضای سبز و

در شهر، افزایش نفوذ پذیری خاک و تاثیر مثبت بر چرخه آب در محیط زیست شهری و افزایش کیفیت آبهای زیر زمینی را شامل می‌شود. به‌طور قابل توجهی دمای هوا را کاهش داده یا به تلطیف هوا کمک می‌کند.

در بررسی اثرات روانی - اجتماعی فضای سبز باید گفت که انسان در هر شرایطی روزانه به چند ساعت فضای ساکت و آرام نیاز دارد که این نیاز با فضای سبز تامین می‌شود.

رفتار و خرد شهر را چگونه می‌توان تعریف کرد

اگر شهری داشته باشیم که فاقد ایمنی باشد، آن شهر دارای رفتار نابهنجار نیز خواهد بود. شهر باید سرزنده و بانشاط باشد و این مهم با مکان‌های شهری هنجار صورت می‌پذیرد.

شهر باید گیرایی داشته باشد و این گیرایی از دید بیننده از طریق مکان‌ها و فضاها باید به‌وجود بیاید.

شهر باید احساس داشته باشد و با وجود این خصیصه‌ها است که می‌توان شهر را مزه‌مزه کرد و همیشه آن را به‌خاطر سپرد.

هویت شهر

هویت یعنی معنی یک محل، یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به‌عنوان مکان متمایزی از سایر مکان‌ها شناخته و یا بازشناسی نماید

هیچ ملتی به‌طور ناگهانی تغییر هویت نمی‌دهد. حتی اگر کالبد و فیزیک و سیستم اداری جامعه تغییر پیدا کند در یک حرکت تاریخی به بازتولید

دارای بلوارهای وسیع‌تر از درخت و کمربندی با عرض بیش از یکصد متر که پر از درخت و فضای سبز باشد.

فضاهای سبز شهری نوعی از سطوح کاربری زمین شهری با پوشش گیاهی انسان ساخت است که واجد بازدهی اجتماعی و بازدهی اکولوژیک می‌باشد.

هدف از بازدهی اکولوژیک زیباسازی بخش‌های شهری، کاهش دما، تولید اکسیژن، افزایش نفوذپذیری خاک در مقابل انواع بارش می‌باشد. و از دیدگاه حفاظت محیط‌زیست بخش جاندار ساخت کالبدی شهر را تشکیل می‌دهد.

انواع فضای سبز

۱ - شبه جنگلی: در کاهش دما و کاهش آلودگی صوتی موثر می‌باشد.

۲ - سطوح سبز: چمن‌کاری که کارایی درخت‌ها را ندارد اما از نظر بصری زیبا و آرام‌بخش است و سرزندگی به همراه دارد.

عملکرد فضای سبز

فضای سبز در شهرها به‌ویژه در شهرهای بزرگ و صنعتی دارای عملکردهای مختلفی می‌باشد. فضاهای سبز از یکسو موجب بهبود وضعیت زیست‌محیطی شهرها می‌شود و از سوی دیگر شرایط مناسبی را برای گذران اوقات فراغت شهروندان تعبیه می‌کند.

علاوه بر این‌ها دارای عملکرد کالبدی نیز می‌باشد. اثرات فضای سبز شهری از دیدگاه زیست محیطی مواردی چون کاهش آلودگی هوا، کاهش آلودگی صوتی، بهبود شرایط بیوکلیماتیک

برخی از شهرها هنر فرش بافی، نساجی و معماری خشتی و ... در تعریف هویت آن شهر تاثیر بسزایی دارد.

برای مثال: وضعیت شهر تهران نشانگر غلبه قدرت‌مندان و سرمایه‌داران و صاحبان قدرت‌های اداری و مراکز پولی است که قبل از آن‌که به فکر خدمت به مردم، تعلیم و تربیت، ایجاد مراکز فرهنگی عبادی و تولید باشند هویتی مادی‌گرایانه و خود پرستانه دارند.

ارتباط شهر با طبیعت یک موسیقی است که باید به تناسب باشد تا آهنگی زیبا به چشم بیاید. در دوران بسیار قدیم بشر نسبت‌های طلایی را رعایت می‌کرد. هر قطر ستون نسبت به ارتفاع و کلیت ساختمان یک سمفونی موزون و زیبا بود و این نشان می‌دهد که طبیعت همواره از جانب انسانها مورد احترام بوده است.

سلیقه هم با هویت و هم با فرهنگ رابطه دارد. دقت یک معمار و سلیقه او به این مهم کمک می‌کند و باعث می‌شود هر بنا و هر شهری ساخته نشود.

تا اینجا به دنبال دلیل در بافت‌شناسی شهری بودیم، اما زبان‌شناسی به عنوان یک رویکرد در فهم پدیده‌ها افق جدیدی را در این زمینه گشوده و در مسیر علت‌یابی تلاش کرده است.

پس هویت شهری هر شهر مجموعه خاطراتی است که از آن شهر داریم این هویت وقتی با ارزش‌های فردی و جمعی محک می‌خورد خاطره‌ای جهت‌دار می‌شود که می‌تواند قضاوت را به همراه داشته باشد. به این اعتبار هیچ شهر و

خودش می‌پردازد و به هویت اصلی خودش رجوع می‌کند.

اصلی‌ترین ریشه بی‌هویتی در کوتاهی معماران و شهرسازان دیده نمی‌شود بلکه در حاکمیت نظام سوداگری در توسعه شهرنشینی دیده می‌شود.

حرف اول و آخر در هویت شهرها بافت‌های سنتی هستند اگر شهری بافت سنتی نداشته باشد نقش تعیین کننده هویتی ندارد.

آنچه که عینیت پیدا می‌کند متأثر از ذهن است هیچ چیز به عینیت نمی‌رسد مگر تازمانی که در ذهن پرورش یابد، هویت عینی می‌باشد که با گذشت زمان خاطره می‌شود و در حافظه و ذهن می‌ماند بنابراین هویت شهر هم عینی است و هم ذهنی.

هر شهری دارای خاطره است و تعریف می‌کند که چه بر او گذشته. بنابراین باید این فضاهای تاریخی که هویت شهر هستند را حفظ نمود و مهم‌تر این‌که مکان‌هایی در شهر ایجاد نمود تا حوادث تاریخی و اجتماعی در آن‌ها رخ دهد.

هنر، جزیی از فرهنگ است. فرهنگ، کالبد و جسم شهر را می‌سازد و ما می‌توانیم نوع متفاوتی از فرهنگ، به تبع کالبد را داشته باشیم. فرهنگ تعاملات اجتماعی را تعریف می‌کند و تاثیر تعیین کننده بر آن دارد. نوع معیشت را می‌سازد و بر هنر نیز رخنه نموده است.

اگر تاثیر فرهنگ در کالبد، تعاملات اجتماعی، هنر و ... را ببینیم مجموعه آنها شهری را می‌سازد که می‌تواند هویت خاص شهری را ارایه دهد. در

اشکال مختلف توسط شهروندان حس می‌شوند پس آن را از شهروندان دریغ نکنیم .

آنچه مسلم است باید اراده انجام این مهم را در سر داشت و عزم راسخی که منتج به نتیجه شود اما در نگاه دیگر جهت نیل به این هدف به یقین باید مقدمات آن مد نظر قرار گیرد و آن پیشگیری از ساخت و سازهایی است که در زوایای با ارزش دید منابع طبیعی قراردارند. در غیر این صورت به جای چشم‌نوازی موجبات چشم‌خراشی شهر فراهم می‌شود. بیاییم وقتی پروژه‌ای را می‌سازیم سرسختانه به طبیعت پشت نکنیم و با تمام توانمان در راستای طبیعت گام برداریم .

معماری آن بی‌هویت نیست بلکه ممکن است از آن شهر چیزی نشینده و یا ندیده باشیم .

تخصص معمار و شهرساز ضمن این که دارای وجوه گوناگونی است به‌طور عمده رویکردی کالبدی دارد. از زاویه دید طراحی شهری باید خاطره‌نگاری ساکنین و مراجعان شهر را مورد بررسی قرار دهیم تا وضعیت شهر را بهبود بخشیم.

باید بتوان به آسانی اجزای شهر را شناخت و آن‌ها را در ذهن به یکدیگر ارتباط داد. در شهری با سیمای خوانا می‌توان به این مهم دست یافت. عواملی مانند راه - نشانه - لبه - گره و محله سیما و شکل شهر هستند که بر اساس آن‌ها تصویری روشن از شهر در ذهن به‌وجود می‌آید.

منظر سازی

می‌توان گفت که بحث منظرسازی بدون توجه به سبک آن بحثی است که می‌تواند در ایجاد شهرهای سالم و حرکت به سوی توسعه‌پایدار در شهرها مفید واقع شود .

چراکه اصول پایداری، بر پاکیزگی در شهرها و توجه به تنوع‌زیستی و محیط‌زیست تاکید می‌نماید و منظرسازی و تلفیق آن با شهر می‌تواند تا حدود زیادی پاسخگوی این نیاز باشد.

سرانجام

طراحی شهری سعی می‌کند هویت و فضا را با استفاده از الگوها و مولفه‌های دارای ارزش و ارزنده ارتقا دهد. کوه‌های موجود در حوالی یک شهر مکان‌هایی وسیع و مستقلی هستند که با

منابع

- ۱- گروتز، یورگ؛ ترجمه جهانشاه. پاکزاد، عبدالرضا. همایون - زیبایی شناسی در معماری تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۳
- ۲- کربلائی نوری. رضا، هویت - شهر - خاطره، عزیزی. محمد مهدی، شهر - کالبد بدون انسان، نصر. عباس، هویت دائما در چرخش است، نشریه داخلی تخصصی شرکت عمران شهر های جدید شماره ۱ الی ۴